

واکاوی مفهوم

ولاء وبراء

در قرآن و سنت

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

نویسنده:

میکائیل محمدی (دژه)

# نشر احسان

سرشناسه: محمدی، میکائیل، ۱۳۶۶ -  
 عنوان و نام پدیدآور: واکاوی مفهوم ولاء و براء در قرآن و سنت / نویسنده میکائیل محمدی (دزه).  
 مشخصات نشر: تهران: نشر احسان، ۱۴۰۰.  
 مشخصات ظاهری: ۳۹۲ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.  
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۸۰۶-۸  
 وضعیت فهرست نویسی: فیفا  
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۸۷-۳۹۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
 موضوع: تولی و تبری -- جنبه‌های قرآنی  
 موضوع: تولی و تبری -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام  
 موضوع: تولی و تبری -- احادیث  
 رده بندی کنگره: BP۱۰۴  
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹  
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۹۱۴۷۵

## واکاوی مفهوم ولاء و براء در قرآن و سنت

نویسنده: میکائیل محمدی (دزه)

ناشر: نشر احسان

چاپخانه: چاپ مهارت

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۸۰۶-۸

تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، شماره ۴۰۶  
 تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۴  
 www.nashreh-san.com



واکاوی مفهوم ولاء و براء



۱۰۳۶۱۷  
 ۶۰۰۰۰۰  
 نشر احسان

# فهرست

|                                                   |    |
|---------------------------------------------------|----|
| مقدمه                                             | ۹  |
| اختلاف در معنای ولایت منهی عنه میان مسلمان و کافر | ۱۶ |
| براء و تبری از اهل کفر به چه معناست؟              | ۱۷ |

## فصل اول

|                                        |    |
|----------------------------------------|----|
| معنی لغوی ولاء                         | ۲۳ |
| معنای لغوی براء                        | ۲۷ |
| انواع ولایت در قرآن                    | ۲۸ |
| معنای اصطلاحی ولاء و براء              | ۳۱ |
| ارتباط معنای لغوی و اصطلاحی            | ۳۲ |
| ولاء و براء در کلام علما               | ۳۳ |
| دلایل قرآنی ولاء و براء                | ۳۶ |
| ولاء در قرآن                           | ۳۷ |
| ذکر چهار نمونه و بیان نظر مفسران       | ۳۹ |
| نمونه اول                              | ۳۹ |
| نمونه دوم                              | ۵۱ |
| نمونه سوم                              | ۶۰ |
| نمونه چهارم                            | ۶۳ |
| نکاتی درباره‌ی آیات ولاء و آرای مفسران | ۶۴ |
| براء در قرآن                           | ۶۷ |
| براء و مشتقات آن در آیات قرآنی         | ۶۸ |
| تحلیل و نتیجه‌گیری                     | ۸۴ |
| چند سؤال و پاسخ به آن‌ها               | ۸۷ |
| دلایل حدیثی                            | ۹۱ |

## فصل دوم

|     |                                                  |
|-----|--------------------------------------------------|
| ۹۷  | بیان نظر دیگر درباره‌ی ولأء وبرأء و نقد آن       |
| ۱۱۶ | پاسخ تفصیلی به دلایل مخالفان                     |
| ۱۱۷ | دلیل اول                                         |
| ۱۲۲ | سبب نزول                                         |
| ۱۴۴ | نظر فخر رازی و تحلیل آن                          |
| ۱۵۶ | اسباب نزول خاص                                   |
| ۱۵۹ | کلام قرافی در تفریق میان مودت و نیکی (و احسان)   |
| ۱۶۳ | نقد نظر قرافی                                    |
| ۱۷۰ | تحلیل قضیه                                       |
| ۱۷۶ | طرح سؤال و پاسخ به آن                            |
| ۱۷۸ | مودت با غیرمسلمان بر اساس دین حرام و عین کفر است |
| ۱۷۹ | دلیل دوم                                         |
| ۱۹۰ | دلیل سوم                                         |
| ۱۹۳ | سبب نزول عام و سیاق آیات                         |
| ۱۹۴ | کلام مفسران                                      |
| ۲۰۶ | ابن کثیر و تفسیر آیه                             |
| ۲۱۱ | مشروعیت یا عدم مشروعیت استعانت از کفار           |
| ۲۱۷ | نکاتی درباره‌ی تولیت غیرمسلمان در جامعه‌ی اسلامی |
| ۲۱۸ | نظر ابن قیم درباره‌ی تولیت اهل ذمه و نقد آن      |
| ۲۲۲ | تعمیم صفات مذموم                                 |
| ۲۲۵ | قرآن و مقوله‌ی دوستی و دشمنی                     |
| ۲۴۱ | دلیل چهارم                                       |
| ۲۴۲ | سبب نزول                                         |
| ۲۴۳ | کلام مفسران                                      |
| ۲۴۷ | تدقیق در مفهوم عداوت                             |

|                                                                               |     |
|-------------------------------------------------------------------------------|-----|
| کلام ابن قیم.....                                                             | ۲۵۸ |
| تأملی در امر اتمام حجت.....                                                   | ۲۶۴ |
| درک صحیح از دشمنی خداوند با کفار.....                                         | ۲۶۵ |
| بازشناختن محمل دقیق حبّ و بغض.....                                            | ۲۶۸ |
| اصول عقیده ثابت اند و استثنای پذیر نیستند.....                                | ۲۷۳ |
| تأثیر حربی بودن و نبودن کفار در نحوه‌ی تعامل مسلمانان به آن‌ها.....           | ۲۷۴ |
| عقاید در دوران مکی بیان شده‌اند.....                                          | ۲۷۴ |
| کلامی از صاحب منار در معنای مقصود از نهی از ولاء با اهل کتاب و عموم کفار..... | ۲۷۷ |
| دلیل پنجم.....                                                                | ۲۸۵ |
| دلیل ششم.....                                                                 | ۲۹۰ |
| کلام مفسران.....                                                              | ۲۹۳ |
| فخر رازی و کلام دقیق او.....                                                  | ۲۹۴ |
| نظر اندیشمندان غیرمسلمان.....                                                 | ۲۹۷ |
| دلیل هفتم.....                                                                | ۳۰۴ |
| ۱- قرآن و تقریر محبت پیامبر ﷺ به عمومی کافر خود.....                          | ۳۰۵ |
| ۲- محبت و تواضع نسبت به والدین اگرچه کافر باشند.....                          | ۳۰۶ |
| ۳- محبت و دلسوزی به فرزند فارغ از اختلاف‌های عقیدتی.....                      | ۳۰۹ |
| ۴- ازدواج با اهل کتاب.....                                                    | ۳۱۰ |
| ۵- محبت و علاقه بین مؤمن و مشرک.....                                          | ۳۱۲ |
| ۶- قرآن و خبر از مودّت مسیحیان نسبت به اهل ایمان.....                         | ۳۱۵ |
| ۷- محبت اصحاب پیامبر و دلسوزی آنان نسبت به عموم انسان‌ها حتی منافقان.....     | ۳۱۷ |
| رشیدرضا و محبت به غیرمسلمان.....                                              | ۳۱۹ |
| اعتماد، اتکا و دوستی در راستای دین مقوله‌ای است و ...                         | ۳۲۱ |
| تناقض گویی مخالفان.....                                                       | ۳۲۲ |
| روایاتی دیگر و بیان معنای مقصود از آن‌ها.....                                 | ۳۲۳ |
| دلیل هشتم.....                                                                | ۳۲۵ |
| نظر علمای حدیث درباره هجرت.....                                               | ۳۲۸ |
| نقد نظر صاحب «عقیده الولاة والبراءة».....                                     | ۳۳۰ |

## مقدمه

با وجود دلایل روشن از قرآن و سنت بر رجحان برداشت‌های رحمانی از اسلام، عده‌ای را این رویکرد اعتدالی خوشایند نیست. بوده‌اند و هستند کسانی که خواسته یا ناخواسته پا در میدان افراط یا تفریط گذاشته‌اند و چشمه‌ی زلال و صاف اسلام را مکدر کرده‌اند و با برداشت‌های ناصواب از آیات و روایات، تصویر و منظر زیبای اسلام را که سادگی، آسان‌گیری و رحمت و خیریت بارزترین نمودهای آن است با پیچیده، سخت‌گیر و خشونت‌طلب نشان دادن آن، زشت و کریه نموده‌اند. اما با این وجود عموماً مجددان و مصلحان در میدان بوده‌اند و با زدودن غبارهای اهل تحریف و تأویلات نادرست آنان، زلالی اسلام و زیبایی آن را بازگردانده‌اند.

یکی از مشخصه‌های رویکرد افراط‌گرایانه در دین این است که افرادی پافشاری می‌کنند دایره‌ی ارکان و واجبات دین را از یک‌سو و منهیات و ممنوعات آن را از سوی دیگر وسعت دهند، بدین شکل رفته‌رفته عرصه را بر خود و هم‌کیشان‌شان تنگ‌تر می‌کنند، و در پی آن تصویری نازیبا، کریه و مغایر با فطرت از اسلام عرضه می‌کنند. این رویه و رویکرد از همان سده‌ی اول از تاریخ هجری، با ظهور خوارج و امثال آنان آغاز شده و تا به امروز نیز هرازگاهی و هر بار به شکلی نمود یافته است. اوضاع سیاسی

حاکم بر مسلمانان، تقابل افکار و اندیشه‌ها، تفاوت طبیعت انسان‌ها و گرایش‌های متفاوت و گاه‌ها مغایر و متضاد آن‌ها با یکدیگر، تأثیرپذیری علما و اندیشمندان از فضای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حاکم بر عصر خود و صبغه‌ی تقلیدی یا تجدیدی آنان و نیز مبنای تعامل آنان با حکومت از جمله اسباب اختلاف و بعضاً ظهور تندروی‌ها و افراطی‌گری‌ها است. در این میان یکی از مهم‌ترین دلایل ظهور افراطی‌گری در میان مسلمانان، به ویژه در دوران معاصر، عدم توجه به ویژگی‌های کلی و فراگیر اسلام از جمله رحمت و تسامح کم‌نظیر آن در تعامل با عموم انسان‌ها بوده است. تغلیب نصوص جزئی و ظنی بر کلیات و قطعیات از دیگر دلایل این کژروی است. این در حالی است که خداوند متعال رسول اکرم ﷺ را مبعوث کرده تا برای همه‌ی جهانیان مایه‌ی رحمت باشد:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [انبیاء/ ۱۰۷]

«و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.»

در این عبارت بلیغ قرآنی که با قوی‌ترین وجه حصر در زبان عربی آمده، به روشنی تمام بیان شده است که این دین، دین رحمت است، آن هم نه فقط برای کسانی که به آن بگروند و اسلام آورند، بلکه برای همه‌ی انسان‌ها، پیرو هر دین و آیینی که باشند. پیام‌آور این دین نیز قبل از هر چیز به داشتن اخلاق کریمانه توصیف شده است:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ [قلم/ ۱۴]

«و به راستی تو بر خلق و خویی والا هستی»

آمدن این عبارت در قالب جمله‌ی اسمیه و در سیاق مدح مفید آن است که پیامبر همیشه و در تمامی لحظات عمر مبارک خود آراسته به این صفت بوده است و این امر تنها به یک برهه‌ی زمانی و یا تنها در رابطه با افرادی خاص محدود نبوده است. هر

آن چه در زمره‌ی اخلاقیات پسندیده برشمرده می‌شود و فطرت انسانی آن را مطلوب و موافق خود تلقی می‌کند، پیامبر اسلام حائز آن بوده است. از جمله مهم‌ترین این خصلت‌ها نرم‌خویی و دور بودن از سخت‌دلی و خشونت در رفتار و گفتار است:

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ [آل عمران/ ۱۵۹]

«به [سبب] رحمتی از جانب خدا برایشان نرم‌خو شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند»

از دیگر مصادیق این اخلاق والا و منحصر به فرد، خیرخواهی و دلسوزی مفرط او نسبت به عموم انسان‌ها فارغ از هر مسلک و آیین بوده است:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ﴾ [توبه/ ۱۲۸]

«بی‌گمان پیامبری از [میان] خودتان نزد شما آمده است که هر رنجی ببرید بر او گران آید. بر [هدایت] شما حریص است»

این محبت و دلسوزی و خیرخواهی او نسبت به عموم انسان‌ها به حدی بوده که گاه‌ها مورد عتاب خداوند متعال قرار گرفته است. مسلمانان نیز عموماً به تأسی از پیامبر خود، در هر زمان و مکان نمونه‌های والای اخلاق و انسانیت بوده‌اند. خداوند متعال در قرآن این امت را امت وسط می‌خواند که باید برای سایر انسان‌ها گواه حقانیت این دین باشند و بی‌شک اولین و مهم‌ترین بُعد این شهادت، در اخلاق پیروان آن تجلی پیدا می‌کند و به راستی این امت به صورت کلی حائز این مهم بوده است. چرا که تعامل نیک، خوش‌رفتاری و تسامح مسلمانان با پیروان سایر ادیان، آشنا به اذهان، کم و بیش مورد اتفاق و حتی مورد اعتراف برخی اندیشمندان بزرگ و سرشناس



غیرمسلمان نیز بوده است. اندیشمند مشهور، توماس آرنولد<sup>۱</sup> درباره‌ی حسن تعامل مسلمانان با مخالفان دینی شان می‌گوید:

«زمانی که سپاه اسلام به دره‌ی اردن رسید و ابو عبیده در محل اردوگاه سپاه خود را مستقر کرده بود، مسیحیان این سرزمین، نامه‌ای با این مضمون برای مسلمانان ارسال کردند: ای مسلمانان، اگرچه رومی‌ها هم کیش ما هستند، ما شما را بر آن‌ها ترجیح می‌دهیم! زیرا شما ما را در دین و ایمان خود آزاد می‌گذارید، دلسوزی و مهربانی شما به ما بیشتر است، از اعمال زور و ظلم بر ما خودداری می‌کنید، حکومت شما بر ما به مراتب بهتر از حکومت بیزانس‌هاست، نسبت به ما مهربان‌تر و دلسوزترید و به ما ظلم نمی‌کنید.»<sup>۲</sup>

ویل دورانت<sup>۳</sup> نیز در شمار ویژگی‌های عام اهل اسلام می‌گوید:

«آداب اسلامی جامع تکلف و بشاش بودن است، کلام شخص مسلمان آکنده از سلام و تحیت و مبالغه در رعایت ادب و احترام است، از جمله صفات آنان اکرام مهمان است و از ویژگی‌های همیشگی آنان رقت قلب، انسانیت و تسامح است.»<sup>۴</sup>

هنری دی کاستری<sup>۵</sup> می‌گوید:

«من تاریخ را خوانده‌ام و نظر من پس از این همه مطالعه و تحقیق این است که تعامل مسلمانان با مسیحیان بر اجتناب و خودداری از قساوت و درشت‌خویی و بل حسن همزیستی، ملاطفت و خوش‌رویی دلالت

۱- دانشمند و شرق‌شناس اهل بریتانیا و از مشاهیر خاورشناسان.

۲- تاریخ گسترش اسلام، ترجمه: د. ابوالفضل عزتی، ص ۴۲، چاپ دانشگاه تهران.

۳- ویلیام جیمز دورانت (۱۸۸۵-۱۹۸۱م) فیلسوف، تاریخ‌نگار و نویسنده‌ی مشهور آمریکایی.

۴- ویل دورانت، قصة الحضارة، ج ۱۳، ص ۱۴۱.

۵- نویسنده و نظامی مشهور فرانسوی.

دارد و این احساسی است که تا بدان لحظه، فقط از مسلمانان مشاهده شده است. به ویژه این که نقطه ضعف اصلی اروپایی‌ها متصف نبودن آنان به مهر و محبت و دلسوزی بوده است. این امر حقیقتی است که به صورت کلی مجالی برای طعن در آن نمی‌بینم.<sup>۱</sup>

سخنان و اعترافات اندیشمندان منصف در این باره گواه آن است که عموماً نوع دوستی، مهربانی، خوش اخلاقی و دلسوزی نسبت به عموم انسان‌ها از ویژگی‌های لاینفک مسلمانان بوده است. فراتر از این، چنان که مستشرق مشهور فرانسوی، گوستاو لوبون<sup>۲</sup> می‌گوید:

«مسلمانان نه تنها در تعامل با انسان‌ها بل در رفتار با حیوانات نیز اسوه و الگوی بشریت بودند.»

وی می‌گوید:

«شرقی‌ها با سگ‌ها و همه‌ی حیوانات به برمی و مهربانی رفتار می‌کنند. شرق بهشت حیوانات است. در شرق با حیوانات، سگ‌ها، گربه‌ها و پرندگان به خوبی رفتار می‌کنند. پرندگان در (آسمان) مساجد پر می‌گشایند و با خیال راحت، در گوشه و کنار آن‌ها لانه و آشیانه برای خود می‌سازند. گُرکی‌ها<sup>۳</sup> به زمین‌ها (ی زراعی) پناه می‌برند، بدون این که مورد اذیت و آزار واقع شوند، کودکی را نمی‌یابی که مزاحم آشیانه‌ی پرندگان شود. به من گفتند در قاهره مسجدی وجود دارد که گربه‌ها در ساعات مشخصی برای خوردن غذا به آن جا می‌روند، این

۱- هنری دی کاستری، الإسلام خواطر و سوانح، ص ۷۹.

۲- گوستاو لوبون (۱۸۴۱-۱۹۳۱م) فیلسوف، مورخ، جامعه‌شناس و پزشک فرانسوی بود. وی از جمله خاورپژوهان بلندپایه‌ی فرانسوی به شمار می‌رود.

۳- (ج کراکی) نام پرندهای است بزرگ‌اندام که دارای پای بلند و گردن دراز و بدون دم است و گاهی بر روی آب می‌نشینند.

کار مطابق شروط یکی از واقفین آن مکان بوده است و جزئیاتی مثل این، که همه بر طبیعت این امت دلالت دارد و می‌رساند که تا چه حد اروپایی‌ها با بردباری و انس و الفت شرقی‌ها فاصله دارند و باید بسیاری ارزش‌ها را از آنان بیاموزند.<sup>۱</sup>

با وجود این که قرآن، پیامبر ﷺ و مؤمنان را با این صفات اخلاقی توصیف کرده،<sup>۲</sup> و در عصر نبوت و عهد خلفای راشدین و قرن‌های بعدی این اوصاف میان مسلمانان نمود یافته است، اما به نظر می‌رسد در دوران معاصر، به دلیل ضعف سیاسی محسوس مسلمانان، تجزیه‌ی قلمرو اسلامی، راه یافتن استعمار به دل امت و ظلم‌های بسیار بر مسلمانان و نیز تلاش‌های بی‌وقفه‌ی دشمنان برای تضعیف و تجزیه‌ی هرچه بیش‌تر ممالک اسلامی از یک‌سو و از سوی دیگر حاکم شدن جریان‌های رادیکال بر برخی کشورهای اسلامی و تقابل فکری، فرهنگی و سیاسی آن‌ها با یکدیگر سبب شد تا برداشت‌های تقابلی و هویت‌زا از وحی قوت بگیرد، تا با قوت گرفتن مرزهای فکری در جامعه و القای مکرر آن در اذهان، مرزهای سیاسی مستحکم‌تر شود و مصالح فرقه‌ای و گروهی حاصل شود.

ظلم‌ها، حمله‌ها و غارت‌های پی در پی و وحشیانه‌ی برخی سردمداران غرب و آمریکا به سرزمین‌های اسلامی از جمله عواملی است که موجب دل‌زدگی و نفرت اهل اسلام و علمای مسلمان از آنان شد. رفته رفته برخی از عالم‌نمایان و ناپختگان عرصه‌ی دانش، برداشت‌هایی از نصوص که حس تقابل میان مسلمانان و عموم

۱- جوستاف لوبون، حضارة العرب، ص ۳۱۷.

۲- مایه‌ی رحمت بودن رسالت پیامبر برای جهانیان (در سوره مائده)، این امت را امت وسط و میانه خواندن و شهادت این امت بر سایر امت‌ها (در سوره بقره)، اشاره به برابری انسان‌ها و میزان قرار دادن فضیلت تقوا در سنجش تفاضل و برتری (در سوره حجرات)، اشاره به تکریم نوع انسان فارغ از باورهای او (در سوره اسراء) این آیات و امثال آن‌ها می‌تواند شواهدی بر اصول تعامل پیامبر و مسلمانان با اصحاب سایر ادیان باشد. تعاملی بر مبنای تکریم نوع انسان و در سایه‌ی مهرورزی و خیرخواهی برای آنان.

غیرمسلمانان را بارور می‌کرد، به صحنه آوردند و «اصل ولاء و براء» را به عنوان واجبی اسلامی، بلکه رکنی از ارکان فراموش شده‌ی اسلام علم کردند؛ اصلی که گویا امکان هم‌زیستی نیکو و دوستانه میان مسلمانان با دیگران و حتی گروهی از مسلمانان با گروهی دیگر را غیرممکن جلوه می‌داد. باری، عده‌ای در اثر فهم نادرست و درک ناصحیح از آیات متضمن نهی از موالات با کفار، قساوت، سخت‌دلی و خشونت که مسلمانان جز بر متجاوزان و دشمنان‌شان روا نمی‌دیدند، بر عموم غیرمسلمانان تعمیم دادند، تا در کمال شگفتی تسامح، نوع دوستی و مهر و محبت به عموم انسان‌ها که حتی در نظر اندیشمندان منصف غیرمسلمان، نشان زرین اسلام و امت اسلامی است، جای خود را به تعصب، دگم‌اندیشی و دشمنی بدهد و به تبع در عمل با تعامل غیرانسانی نسبت به غیرمسلمانان غافل و بی‌خبر نمود یابد. وانگهی این سوء برداشت از آیات وارده در این زمینه در دشمنی با غیرمسلمانان محصور نماند و خود مسلمانان را نیز دربرگرفت، چنان‌که جریان‌های تمامیت‌خواه و انحصارطلب سایر فرق یا جریان‌های اسلامی را به دلیل دگراندیشی، تسامح و تعامل نیک با پیروان مذاهب و ادیان دیگر و عدم دشمنی با آنان و غیره، هم‌ردیف کفار قرار دادند و ولاء با آنان را نیز کفر تلقی کردند!

استناد برخی از این جریان‌ها همواره به سلف امت و مواضع پیامبر اسلام و یاران او بوده است. به بیان دقیق‌تر اینان تنها خود را پیروان حقیقی راه آنان می‌دانند و در موضوع ولایت با اهل ایمان و برائت از کفار نیز آنان را اسوه و الگوی خود قلمداد می‌کنند که در لحظه‌ای از حیات‌شان از این اصل تخطی نکرده‌اند، لیکن به جرأت می‌توان گفت که در عصر طلایی اسلام، موضوع به این شکل مطرح نبوده و روابط نیکو با کفار، جز محاربان، محل مناقشه نبوده است.

در کنار برخی از عوامل مهمی که در ظهور برداشت‌های غیرانسانی و نادرست از مجموعه‌ی این آیات نقش داشتند، ردپای اختلاف علما نیز به چشم می‌خورد.